و جهت دهندگان چه کساني و چه کشور هاي هستند ؟

بنابرين بشکل فشرده و اخذ روح مطلب در ميابيم ، که انقلاب اسلامي ما با دست خالي و ابتداي ترين وسايل حربي ، براي دفاع از افکار و عقايد اسلامي ملت مسلمان ما در برابر افکار الحادي مارکسيت هاي(خلقي و پرچمي) با يك حرکت خود جوش مردم غيور و موحد ما ، آغاز و مردم دين دوست افغانستان با روحيه فداکاري ، و بذل مال و جان ، در برابر پيشرفته ترين سلاحهاي مدرن روز (روسهاي بدسير) عاشقانه و بيباکانه ايستاد ند تا آنجا که در سايه اي رشاد تهاي

یازده سال ارتش به اصطلاح شکست ناپذیر را به شکست ابد (در هم پاشیدن نظام مارکستي لیننی) در سطح جهان مواجه ساختنند البته این یك واقعیت است و ملل جهان بو ضاحت درك کرده اند که عامل اصلي و محوري زوال کمونیزم ، جهاد پر میمنت و با معنویت ملت افغانستان بود ، که طومار دیکتاتوري پرولتاریا را در سطح جهان در هم پیچید ، و بشریت را از شر این پدیده نا میمون تاریخ نجات داد و جان تازه اي در پیکره سیخ بسته اي ملت هاي در بند طلسم کمونیزم دمید ، و ثابت ساخت هر گاه ملتي اراده کنند ، رسیدن به ساحل آزادي اگر مشکل است ولي نا ممکن

نیست .

بخصوص اراده هایکه بر خاسته از جهان بیني توحیدي باشد ، تاریخ شاهد بر مدعاي ماست که هیمن ملت هاي مومن و ایثار گر ، در برابر بزرگترین قدرت هاي طاغوتي زمان شان پیروز شده اند ، گرچه ظاهراً همچو گروههاي کوچك و از رهگذر کمیت ضعیف ولي اتکال شان بخدا و عشق شان بهدف ، و ایثار گري را وسیله اي رسیدن بهدف میدانستند که قرآن مجید در این زمینه میفرماید « کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة باذن الله » بناءً قانون آسماني شرط اساسي پیروزي ها در برابر باطل و باطل پرستان داشتن ایمان کامل ، جهاد کردن

براي خدا موجوديت روحيه ايثار گري را مي داند كه تجسم عيني مسائل تحرير شده تازمان فرار ارتش روسي ، در صحنه هاي رزم و پيكار نا برابر ملت ما در برابر كل پيمان و وارسا كاملاً ظاهر بود ، ولي افسوس كه بعد از شكست دادن اين قدرت بظاهر نا شكن جهان در فضاي پاك جهاد ، ابر هاي تيره هوا و هوس بر عده هوا پرستان حاكم شد كه هنوز هم ملت ما در عالم هجرت ماندن ، و شهيد دادن و معلول شدن هستند و از صد ها درد ديگر متألم ميشوند . حركت هاي مغرضانه اي كشور هاي كمك كننده لحظه به لحظه ظاهر ميگردد حتي بعضي دولت هاي اسلامي

مستقیماً به نفع روسهاي پلید و قاتلین ملت مؤمن ما به شیوه هاي مختلف دارند کار مي کنند و انقلاب اسلامي ما را در لباس دوست از مسیر اصلي اش به انحراف مي کشانند ، با ظاهر شدن همچو حرکت ها «مضار سلاحهاي بیگانگان تثبیت گردید». و حال حرز گردید که سست عنصري بعضي سیاستمداران جهاد ما عامل همه بدبختي هاي امروز و فرداي کشور و ملت مي باشند ، و از طریق همین عناصر بي خاصیت اراده هاي دول موجود در رابطه با انقلاب ،اسلامي ، از حاشیه همین نفوذ و اراده هاي دول موجود در رابطه با انقلاب اسلامي ، ازحاشیه به متن

نفوذ و زمنیه را قرین بر تشتت و پراگندگي هاي عمیق گردانند گان امور انقلاب اسلامي نموده است . از ین جاست که خطیر ترین مسوولیت فردي و اجتماعي بعهد ه رهبران جهاد و گرد انند گان محور هاي اصلي انقلاب اسلامي مي باشد ، که نباید لحظه اي درنگ کنند تا دشمن خطر ناکتر از روس و امریکا «منیت »گرایي جاگزین «ما »گراي گردد .

هرگاه در سطح همه رهبران جهاد ، علما ، قوماندانان ، چنین شد ، فاتحه اي کلي اثرات داخلي و خارجي انقلاب اسلامي را باید خواند . و آنگاه آن عده مسلمانانیکه در اکثر کشور هاي اسلامي دست بمبارزه علیه حکومت هاي

غير اسلامي شان ، يا زيدند ، فقط الهام، از انقلاب اسلامي با عظمت « و بيخ و بن بر كن ريشه هاي تاريخي كمونيزم آدمخوار »ما گرفته اند . در صورتيكه اين انقلاب سر مشق دهنده به پيروزي نهاي در سايه روح جهاد مقدس نرسيده طبيعتاً اثرات منفي اش به روان همه مسلمانان بخصوص مسلمانان مبارز كه در حالت سازماندهي هاي مخفي ، و علني جنگهاي سرد و گرم ، در برابر بي عدالتي هاي نظامهاي حاكم بر جامعه شان مي باشند ، ميگذارد ، هين جاست ضياع حق الناس از ناحيه مبارزات اسلامي گناه نابخشودني و عذاب درد ناكي را بدنبال دارد . خداوند همه

اي انسان هاي مومن و موحد را از«مبتلا» شدن همچو عذاب درد ناك به نفسش ، محفوظ دارد انشاء الله .

اي رهبران عاليقدر !

لازم است بيش از ين براي دشمنان انقلاب اسلامي فرصت ندهيد كه بخون هاي مطهر شهداء و ساير ارز ش ها ي جهادي بازي كنند ، شما ايجاد كنندگان تحولات عميق سياسي در سطح بين المللي را ، به اذهان ملت مسلمان كشور ، و نهضت هاي اسلامي و ساير ملل اسلامي بكو بند ، و تاثيرات مثبت شما ، كه پشتوانه اي خون يكنيم مليون ، شهيد را با خود دارد در اخير كار بر عكس سازند . حال

اگر بدیده واقع بیني در مسایل جاریه انقلاب اسلامي و حرکت هاي سیاسي رهبران محترم نگاه کنیم ، دیده مي شود که هیچ کدام از شما عزیزان ملت در شرایط کنوني در رقابت هاي گروهي خویش برنده نیستند پس واضح است که در بین گردانندگان امور جهاد عناصر فرصت طلب ، و عمال بیگانه وجود دارد ، که تا بحال رهبران جهاد موفق نشدند ، یك کارنامه اي واحد سیاسي و نظامي در سطح انقلاب اسلامي تثبیت کنند . بنابر این لازم و حتمي است ، آن عده از رهبران محتر م که یك دیگررا درك کرده اند . که استراتیژي کار شان اسلام و استقلال کشور ، حفظ تمامیت ارضي ،

استقرار حکومت اسلامي به معناي واقعي آن در پس منظر جهاد مي باشد ، عملاً با در هم شکستاندند قوس هاي خلق شده ، از هر صوب که است ، وارد مرحله اي شوند که متضمن ارزشهاي جهادي و خواسته اي بر حق مسلمانان کشور باشد ، و رسیدن سریع به این ما مول مقدس مستلزم تعقیب مقدمات زیر خواهد بود .

١- مومن بودن بحل قضیه افغانستان فقط در سایه جهاد .

٢- تشکیل شوراي رهبري .

٣- راه ندادن عناصر طماع و بیگانه پرست

٤- غرض تحکیم پایه هاي شوراي رهبري ،

بسم الله الرحمن الرحيم .

انقلاب اسلامي ما، و رسالت جهاني آن

ادوار تاريخ مبين ، واقعيت هاي تلخ و شريني است ، كه گذشت زمان در بين جوامع بشري بجا گذاشته . و اين موجود دو پا بنام انسان ، در محدوده اي خودش ، در جمع همنوعانش ، تحولات شگرف اجتماعي را ، در

سازماندهي بر نامه هاي تبليغاتي در سطح داخلي و برون مرزي

٥- توحيد ساختن نيرو هاي نظامي و تشكيل جهاد مشترك بدون ضياع وقت

٦- مبارزه و مقاومت شديد در برابر هر طرحيكه خواست جهادي ملت مسلمان در آن ناديده گرفته شده باشد .

٧-اعتماد پيدا كردن ، به اراده ملت شهيد پرور ، وقطع اعتماد از اراده هاي بيگانگان هر كي باشد .

٨- تشكيل يك مجمع تبليغي از علما و شخصيت هاي خيّر و ملي كشور .

٩- فرصت ندادن به تطبيق گران پلانهاي

شوم ابر قدرت ها در تحت پوشش سازمان ملل و رد هر گونه طرحیکه ارایه گردد .

« بخاطریکه این سازمان ، از زمان تاسیس تا کنون ، تأمین کنند ه منافع ابر قدرت و زمینه ساز بلعیدن ، ملت هاي مظلوم و مستضعف بوده است ، تاریخ سراغ ندارد که توسط این سازمان تا بحال به نفع ملت هاي زیر ستم کاري انجام شده باشد . »

۱۰- موقع ندادن ، به کشور هاي منطقه که به نفع دشمنان انقلاب اسلامي گام بر مي دارند .

۱۱-اعلام عفو عمومي ، به همه وابستگان دولت کابل منهاي جنانت کاران مشهود .

۱۲- انتخاب مرکز شوراي رهبري در داخلي کشور ، فقط در خارج يك واحد سياسي با صلاحيت از جانب شوراي رهبري در نظر گرفته شود .

يقين دارم اگر رهبران محترم صادقانه در کنار هم قرار گيرند ، عامل قطع کامل ريشه هاي همه بدبختيهاي ، امروز و فردا« که نقشه هاي شوم بيگانگان در رابطه با ملت شريف ترسيم مي کند » خواهد گرديد ، بر علاوه که بوظايف شرعي و مسؤوليت هاي اسلامي و وجداني خويش عمل کرده اند ، رسالت انقلاب اسلامي را نسبت بمنطقه و جهان ، دوباره احياء مينمايند ، که پر عزت ترين ، عمل دنيوي ، و

اخروي محسوب میگردد . در تاریخ ثابت شده است ، نقش تعین کننده را کیفیت ها داشته است نه کمیت ها توجه بخصوص قرآن عظیم الشان ، در زمینه ، مبین این واقعیت است آنجا که میفرماید . « یا ایها الرسول حرض المومنین علي القتال ان یکن منکم عشرون صبرون یغلبو ما تین و ان یکن منکم مأته یغلبو الفا من الذین کفرو بانهم قوم لایفقهون » انفال ٦٤

اي رسول ! مومنان را بر جنگ ترغیب کن ، که اگر بیست نفر از شما صبور و پا یدار باشید بر دو صد نفر از دشمنان غالب خواهید شد ، و اگر صد نفر بوده بر هزار نفر کافران

غلبه خواهيد كرد ، زيرا آنها گروهي بي دانشند و شما با دين و دانشيد لذا بر آنها غالب شويد، بنابر ين ، آنانكه واقعاً به مجد و عظمت اسلام و مسلمين عشق دارند درين برهه اي حساس از منافع شخصي ، و گروهي بخاطر رضاي خدا و پيروزي انقلاب اسلامي در پرتو معنويت آن و مصالح علياي ملت مسلمان مي گذرند .

در صدد آن مي شوند كه «منيت» را مقهور «ما »گردانيده و زمينه ساز ايجاد يك شوراي رهبري و حاكم ساختن عدالت اجتماعي ، بر مبناي اسلام عزيز در جامعه اي انقلابي ميگردند و از طرفي ، بر اساس سنت هاي

الهي ، در قاموس مكتب اسلام شكست وجود ندارد در طول تاريخ جوامعي محكوم به شكست گرديده اند كه منافق گونه عمل ، تر سو ، تنبل و پراگنده باشند .

در مقابل هميش جوامع با ايمان ، آگاه ، متحد ، و مصمم جز پيروزي سر نوشتي ندارند اين حقيقت را آيه متبركه قل هل تربصون بنا الا احدي الحسنين آيه ٥٢ سوره توبه براي موحدين مومن و مخلص بيان مي كنند : كه در راه جهاد و مقاومت شما در برابر دشمنان خدا و ناموس كشور ، د و نيكي و سعادت و يا دو پيروزي قرار دارد يا دشمنان را در ميدان نبرد ، در هم ميكوبيد ، وبساط قاتلين ملت

موحد را بر مي چنيد و يا شربت گواري شهادت را مفتخرانه ، مينشيد که هر کدام پیش آمد خوش آمد . چشم مومنین روشن این منطق انسانهاي مكتبي و رسالت بدوش است ، که خود را ، فاني در عقيده و ايدلوژوي مكتبي ميدانند و عاشقانه در صحنه هاي خطر گام بر میدارند .

لذا انتظار ميرود گردانند گان دلسوز و آگاه با اوضاع جاريه ، بر اساس تكاليف شرعي و انساني ، بر خورد كرده اوضاع را در پرتو ايثار و مقاومت و تدبير بچرخانند نقشه هاي شوم بيگانگان را« با ارائه نمودن طرح سالم که بر مبناي منطق جهادي و در نظر گرفتن حقوق

حقه همه اي جهاد گران مسلمان باشد »نقش بر
آب ساخته و بزخمهاي انقلاب اسلامي مرهم
گذاشته باشند انشاء الله

عرصه هاي مختلف ايجاد كرده است ، هر گاه ، از روند سياست و حكومت داري وارد بررسي عملكرد هاي ، انسان ها شويم ، در ميابيم كه توسط همين انسانها جامعه يا بسوي تعالي و كمال ارتقاء يافته ، و يا بسوي ضلالت و بدبختي ، سوق داده شده و مي شوند ، گاهي توسط همين انسان تاريخ با شكوه و جهت دهنده ، براي نسل هاي بعدي به ارمغان گذاشته مي شود ، و گاهي هم تاريخ ننگين و نفرت آور !!

بلي : انسانهاي كه صاحب تعقل و انديشه بودند و درك كرده توانستند ، كه براي چي خلق شده اند ؟ و ظيفه اش به ارتباط خودش ،

و اجتماعش ، و خالقش و رسالتش چیست ؟ میتوانند براي خودش ، و اجتماعش ، مسیر سالم را انتخاب و جامعه را بسوي کمالات معنوي و مادي سوق دهند .

بودند مردانیکه بر اساس دید مکتب اسلام توانسند دو بعدي (بخیر دنیاو آخرت) در میان جامعه کار کنند و زیر بناي کار و حرکت شان را معنویت تشکیل مي داد ، و با دید وسیع تحولات عصر زمان خویش را در ك کرده آگاهانه حرکت کرده اند و رضاي خدا و مخلوقش را حاصل نموده اند . اما عده دیگر فقط با روحیه خود محوري و یك بعدي وارد جامعه شده اند گرچه بقول خود شان مصدر

تحولات مثبت در جامعه شده اند ، ولي اين ادعا ي خود را با هيچ دليلي ثابت كرده نميتوانند . و در ين مقاله هدف ما فقط نگرش كوتاهي در اطراف حركت هاي توحيدي ، و تلاشهاي مشعلداران سنگر هاي حق است ، كه چگونه قيامها و حركت ها را آغاز و چگونه مردم را تا مرز قيام هاي مسلحانه رهبري كردند ؟ و چگونه آفات نهضت و جنبش ها را شناسائي و بموقع از آن آفات و انحراف نهضت را و قايه كردند ؟

و چگونه به سر منزل مقصود رسانيدند ؟ كه همان آرمان و روح واقعي نهضت هاي توحيدي و هدف مردم موحد است .

گرچه در برابر هر حرکت فکري بر خواسته از بيش توحيدي در همه اي اعصار ، قابيل ها ، نمرود ها فرعون ها ، ابوجهل ها ، يزيد هاي زمان عرض اندام نموده اند ، که تاريخ گواه بر اين واقعيت هاست ، طاغوت هاي زمان ميخواستند ، جلو تحقق يافتن حرکت هاي فطري توحيدي را بگيرند ولي بر اساس سنت و مشيت الهي نتوانسته اند ، که امروز شاهد زنده بودن افکار و قيام خليل ها ، موسي ها ، محمد «ص» علي ها ، حسين ها هستيم و اين خصلت طبيعي حرکت هاي معنوي توحيدي است .

قرآن مجيد بصراحت ميفرمايد (و کان حقاً

علينا نصر المومنين) به تحقيق سر انجام پيروزي حق مسلم مومنين است . اما آنچه در تحقق پذيري اين امر در خور اهميت است بايست عوامل آن جستجو گردد و آنچه تا اكنون در سايه اي انقلابات معنوي به اثبات رسيده علل زير درين راه نقش تعين كنند ه را داشته و در آينده نيز دارا خواهد بود .

١- رهبري واحد .

٢- مديريت همه جانبه

٣- هدفمندي مردم .

٤- روحيه ايثار و فداكاري

٥- حاكم بودن ، امر بمعروف و نهي از منكر

٦- تجزيه و تحليل اوضاع روز براي مردم

۷- رشد دادن سطح آگاهي جامعه حفظ انگيزه حركت و قيام

۸- معرفي دشمنان شناخته شده و مرموز براي مردم بدون مصلحت انديشي .

۱۰- عدم وابسته گي نهضت

۱۱- وحدت بر پايه عقيده مكتبي

بناءً با در نظر داشت مطالب فوق الذكر نگرشي كوتاهي پيرامون انقلاب اسلامي خويش مينمائيم كه چگونه و براي چي آغاز گرديد ؟ احساس مردم چيست ؟ شكل رهبري چگونه ؟ آيا دشمنان علني و مخفي انقلاب شناساي شده بود يا خير ؟

انقلاب از ناحيه كدام حركت هاي بيروني ها ،

آسیب پذیر شد؟ تاثیرات سرازیر شدن سلاح و پولهاي هنگفت از خارج بمرز هاي کشور تا چه حد و بچه منظور بود ؟

از شخصیت هاي متدین و مدیر در صفوف جهاد در چه سطح تحویل گرفته شده است ؟

آیا انقلاب مستقیم و غیر مستقیم ، وابسته به افکار کشور هاي کمك کننده شده است و یانه ؟

باألاخره اوضاع فعلي انقلاب در چي شرایطي قرار دارد ؟

آیا موافق بخواسته هاي اولي مردم قهرمان ما ، به پیش میرود ؟ و یا اینکه آفات انحرافي دامنگیرش شده است ؟

آيا تلخي هاي زهرآگين غير محسوس ، كه در درون شريني هاي سلاح و پول هاي وافر بيگانگان نهفته بود ، احساس شده بود و يا خير ؟

و حال موقف مردم مسلمان ما ، در برابر اهداف انقلاب اسلامي چگونه است ؟ اين مطلب درك و ارزيابي شده و يانه ؟ آيا مواضع كشور هاي اسلامي در خم و پيچ ساليان دراز دوران جهاد تشخيص شده است يا خير ؟ و آيا مواضع كشور هاي غير اسلامي براي رهبران و سايرين آنچنانكه هست تثبيت گرديده ؟ بالاخره ايا درك ميكنيم كه انقلاب اسلامي در شرايط فعلي بكدام مسير جهت داده ميشود ؟

انقلاب اسلامي ما

و

رسالت جهاني آن

سيد حسين « انوري » ١٣٧٠/٤/١٧

نوشته : سید حسین «انوري»

ناشر : شوراي ولايتي کابل

چاپ : مطبعه جهاد

تاريخ چاپ : سرطان ۱۳۷۰

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه